



The Institute of Ismaili Studies

عنوان: حکمرانی بر جوامع متنوع: نمونه‌ی قرون میانه‌ی اسلامی

نویسنده: شانول جیوا

منبع: آنچه می‌خوانید، صورت ویرایش‌شده‌ی مقاله‌ای است که نخستین بار در ۸ مارس ۲۰۱۱ در پرسپکتیو منتشر شد. پرسپکتیو، وبسایتی مقاله‌محور با مرکزیت بحث در باب موضوعات مهم عالم سیاست، فرهنگ و هنر است.

چکیده:

گسترش تظاهرات مردمی که اخیراً در خاورمیانه رخ داده این پرسش قدیمی را دوباره به میان آورده است که حکمرانی خوب چگونه شکل می‌گیرد و تلاش‌ها برای انتظام مناسب امور چگونه به هدف خود می‌رسد. یک راه پاسخ به این پرسش، بررسی مدل‌هایی از اقتدار و رهبری است که خود مسلمانان در طول تجربه‌ی تاریخی هزارساله‌ی خود در آن مهارت یافته‌اند و نیز در نظر گرفتن ربط و نسبت آن مدل‌ها با گفتمان معاصر در باب حکمرانی است. این مقاله بر شرح و بسط یکی از چنین مدل‌هایی تمرکز خواهد یافت: مدلی که سلسله‌ی فاطمیان، که شهر قاهره را ساختند، هنگام رسیدن به مصر به سال ۹۶۹ میلادی، آن را نهادینه کردند.

تم الحصول على حقوق النشر من الناشر المنكور.

إن استخدام المواد الموجودة على موقع معهد الدراسات الإسماعيلية يشترط إلى القبول بشروط معهد الدراسات الإسماعيلية لاستخدام هذه المواد. كل نسخة من المقال يجب أن تحتوي على نفس نص حقوق النشر التي تظهر على الشاشة أو التي تظهر في الملف الذي يتم تحميله من الموقع. بالنسبة للأعمال المنشورة فإنه من الأفضل التقدم بطلب الإذن من المؤلف الأصلي والناشر للإستخدام (أو إعادة استخدام) المعلومات ودائماً ذكر أسماء المؤلفين ومصادر المعلومات.

حکمرانی بر جوامع متنوع: نمونه‌ی قرون میانه‌ی اسلامی شانول جیوا

آنچه می‌خوانید، صورت ویرایش‌شده‌ی مقاله‌ای است که نخستین بار در ۸ مارس ۲۰۱۱ در پرسپکتیو منتشر شد. پرسپکتیو، وبسایتی مقاله‌محور با مرکزیت بحث در باب موضوعات مهم عالم سیاست، فرهنگ و هنر است.

تاریخ:

علت به وجود آمدن خلافت اسماعیلی فاطمی (۹۰۹-۱۱۷۱ میلادی) تأسیس حکومتی بود که بر تمام رعایای آن، قطع نظر از تعلقات دینی و ریشه‌ی نژادی، عادلانه و درست‌کارانه حکمرانی شود. چنین اهدافی بازتابی از کوشش دائمی بشر برای انتظام مناسب امور بود که زیربنای شکل‌گیری نخستین تمدن‌ها است و امروزه همچنان یکی از مهمترین عوامل حکمرانی موفق است. بنابراین، وجه تمایز فاطمیان چیست؟ یکی از وجوه تمایز آنان مدل رهبری و حکمرانی‌ای بود که اتخاذ کردند و نیز دوام این مدل برای بیش از دو و نیم قرن در سرزمین‌هایی که از نظر تاریخی محل سکونت جماعت‌های ایمانی متنوعی بود، و عمدتاً غیرشیعی بود و تا به امروز نیز این‌گونه باقی مانده است.

فاطمیان برای آن‌که بتوانند داعیه‌ی رهبری امت را داشته باشند، به انگاره‌ی ولایت عالی معنوی و زعامت دنیوی توسل جستند که به ادعای آن‌ها از طرف پیامبر اسلام به این مقام منصوب شده بودند. تشکیل حاکمیتی که فرمانروایی فاطمیان بتواند حکمرانی عادلانه و نظام عادلانه‌ی اجتماعی را نهادینه کند، سنگ بنای تبلیغ اسماعیلی بود و منجر به تأسیس دولت فاطمی در شمال آفریقا در ۹۰۹ میلادی گردید.

فاطمیان در طول بیش از نیم قرن حکمرانی بر شمال آفریقا (۹۰۹-۹۶۹ میلادی) مجبور بودند انگاره‌های اتوپیای خود در باب حکومت درست‌کار را به مدل عمل‌گرایانه‌ی حکمرانی بر مردمی ترجمه کنند که از نظر دینی و نژادی متنوع بودند، و میان آن‌ها عناصری وجود داشت که از نظر ایدئولوژیک با حکومت اقلیت فاطمی دشمنی داشت. تصرف مصر توسط فاطمیان به سال ۹۶۹ میلادی، به پیچیدگی امر افزود زیرا جمعیت مصر تنوع نژادی، محلی و دینی، به نسبت بیشتری داشت. دوام حکومت فاطمیان، که دو قرن و نیم به درازا کشید، و برهه‌های برجسته‌ی ثبات و شکوفایی آن، نشان‌گر آن است که این سلسله، کما بیش، توانایی پروراندن مدل حکمرانی دوام‌پذیری را داشته است.

پیش‌زمینه:

تحت فرمانروایی فاطمیان بود که مصر برای نخستین بار مرکز یک امپراطوری مدیترانه‌ای در قرن ۱۰ میلادی شد. قاهره‌ی دوره‌ی فاطمی تبدیل به قطب اجرایی و کلان‌شهر بین‌المللی پرونقی شد. در این زمان بود که مصر برای نخستین بار استقلال سیاسی و دینی خود را در مقابل استقرار اقتدار اسلامی در شرق که پیشتر امویان در سوریه (۶۶۱-۷۵۰ میلادی) مدعی آن بودند، و بعد از آن عباسیان در عراق (۱۲۵۶-۷۵۰ میلادی) مدعی‌اش شدند، به دست آورد. فاطمیان خودمختاری خود را نسبت به مصر در پی کشمکش‌های سیاسی و نیز اجتماعی و اقتصادی در منطقه به دست آوردند.

بازسازی نظام اجتماعی، اقتصادی و سیاسی از جمله ویژگی‌های اصلی «سند امان» بود که حاکمیت فاطمی، امام خلیفه معز الدین الله، به مجرد فتح مصر توسط فاطمیان، آن را اعطا نمود. این سند، صورت‌بندی سازنده‌ی اصول حکمرانی فاطمیان را ارائه می‌کرد. این سند با توسل به ادعای امامت جهانی، به شرح و بسط انگاره‌ی حمایت از تمام رعایا، قطع نظر از نژاد، قوم یا عقیده می‌پردازد و به سندی از پیامبر اسلام، که به عنوان قانون اساسی مدینه نامیده می‌شود ارجاع می‌دهد که در آن تمام مردم مدینه، شامل قبایل یهودی ساکن در این شهر، در کف حمایت قرار می‌گیرند.

تضمین امنیت، رابطه‌ی میان خلیفه‌ی جدید و رعایای‌اش را مشروط ساخت. در اصل، چنین تضمینی مسؤولیت‌های اساسی حکمرانی خوب را طرح‌ریزی کرد. این سند، متعهد شد اصلاحات اقتصادی را از طرق متنوع انجام دهد، که شامل این موارد می‌شد: تعمیر و نگهداری مسکوکات و حذف ناخالصی‌های فلزی آن‌ها، تسهیل تجارت از طریق حفظ جاده‌ها، مهار یاغی‌گری، اطمینان از مطابقت قوانین ارث با کتاب و سنت نبوی، و این‌که دولت میراث مالی را تنظیم می‌کند. این سند اساساً در تأمین امنیت که وظیفه‌ی حاکم مسلمان در قبال امت خود است، صراحت دارد:

«من امنیت کامل و فراگیر الهی، جاودانه و مستمر، شامل و کامل، تجدید شونده و تأیید شده در طی زمان و به کار گرفته شده در طی سال ها را برای شما تضمین می‌کنم. این امنیتی است برای زندگی شما، دارایی‌های شما، خانواده‌ی شما، چارپایان شما، مستغلات شما و اقامت‌گاه شما و هر آنچه مالک آن هستید، مهم باشد یا جزیی.»^۱

این بیانیهِ آشکار در باب نقش و مسئولیت حاکمیت و اجرای آن در استقرار ثبات و شکوفایی، معیار کارایی مدل فاطمی حکمرانی گردید.

حکمرانی بر جوامع متنوع:

در حالی که مقررات مربوط به حکمرانی شایسته، الگویی نظری فراهم آورد که بر اساس آن فاطمیان ورود خود به مصر را مشروعیت بخشیدند، در زمان حکومت امام-خلیفه العزیز بالله، بود که او امر حکومتی مقرر گشته در سند امان، تبدیل به خط مشی دولتی گردید و وارد ساختارهای (۹۷۵-۹۹۶) نهادی گردید. از همین رو، مطالعه‌ی گوشه‌هایی از ویژگی‌های خط‌مشی دولتی حکمرانی او، پس‌زمینه‌ی ارزش‌مندی را برای بررسی رویکرد فاطمیان نخستین به حکمرانی بر جماعت‌های ایمانی‌ای که سرفصل زندگی مصریان را تشکیل می‌داد، فراهم می‌آورد.

قوه قضاییه:

قوه قضاییه در دوره‌ی حکمرانی امام-خلیفه العزیز نمونه‌ی آشکاری از تعامل میان ادعای اسماعیلیان در باب مرجعیت عالی دینی و در عین حال حفظ اعتبار شرعی دیگر مذاهب فقهی مسلمانان بود، و بدین گونه انسجام دینی و اجتماعی را تضمین می‌کرد. در موارد مرتبط با احوال شخصیه یا حقوق خانواده، فقیهان می‌توانستند بر اساس سنت فقهی مورد ترجیح خود، سنی باشد یا شیعه، داوری کنند، اما در موضوعات مربوط به حکمرانی اجتماعی و نظام امور، داوری می‌بایست بر اساس قانون فاطمی باشد.

پاسداشت نظام عمومی جامعه، با این ضمانت تقویت می‌شد که مأموران بلندپایه‌ی فاطمی به بررسی پرونده در دادگاه رسیدگی به شکایات می‌پرداختند. جلسات دادگاه سازوکار رسمی‌ای را برای هر رعیتی فراهم می‌آورد تا شکایت خود علیه دولت یا کارگزاران آن را مطرح کند و عدالت در حق او از سوی بالاترین مناصب مأموران فاطمی اعمال شود.

مشارکت مسیحیان و یهودیان:

در این برهه، مصر همچنان دارای فرقه‌های مسیحی محلی جاافتاده با جمعیتی قابل ملاحظه، خصوصاً قبطی‌ها، ملکانیان، نسطوریان بود و نیز شماری از جماعت‌های یهودی، شامل خاخام‌ها و قرائون نیز در مصر زندگی می‌کردند. در طول قرن‌ها، نقش اجتماعی و اقتصادی این فرقه‌ها و جماعت‌ها، در جامعه‌ی مصری نفوذ یافته بود، خصوصاً به عنوان دیوان‌سالارها و تاجران کارگشته، طبیبان، طلاکار و نقره‌کار و وام‌دهندگان پول. سند امان، مقررات مرسوم میان اهل کتاب را مورد حمایت قرار داد. مشهور است که امام-خلیفه العزیز از نوسازی و نیز مرمت عبادتگاه‌های مسیحی حمایت حکومتی کرد. همچنین او به این شهره است که به قبطیان اجازه داد کلیسای قدیس مرکورئوس نزدیک قسطنطنیه را بازسازی کنند، علیرغم این‌که بازسازی آن از سوی برخی از مسلمانان با چالش مواجه شده بود.

امام-خلیفه العزیز همچنین رابطه‌ی خویشاوندی با جماعت مسیحی ملکانی، که حضوری جاافتاده در مصر و سوریه داشت، برقرار ساخت. همدم عمری وی، که مادر شاهزاده خانم مشهور فاطمی، ست‌الملک بود، زنی ملکانی بود. امام-خلیفه العزیز دو برادر زن خود را به نام آرسنویس و آرسئیس، را به ترتیب به عنوان پطریک ملکانی اسکندریه و اورشلیم منصوب کرد. امام-خلیفه العزیز مقارن آخر حکمرانی‌اش، به سال ۳۸۴ هجری/۹۹۴ میلادی، امام-خلیفه العزیز، دیوان‌سالار مسیحی عیسی ابن نسطورئیس را تشویق کرد که مسئولیت اجرایی تمامیت حکومت را بپذیرد. عیسی، به نوبه‌ی خود مدیری یهودی به نام منش بن ابراهیم را به عنوان ممیز مالی سوریه منصوب کرد. منصوب کردن مدیران مسیحی و یهودی به سمت‌های ارشد دولتی، تعهد فاطمیان را به حکمرانی شمول‌گرا بر توده‌ی مذهبی و قومی مردم‌اش نشان می‌دهد.

چالش‌های حکمرانی فاطمیان:

فاطمیان با چالش‌هایی در نهادینه ساختن حکمرانی خود بر جامعه‌ی مصری مواجه بودند، جامعه‌ای که از نظر دینی و اجتماعی طبقه-طبقه بود. بر فاطمیان لازم بود که به بسط کنشی اعتدال‌آفرین در جهت تنظیم روابط خود با هر یک از این جماعت‌های مهم بپردازند. منابع تاریخی به حوادث خاصی ارجاع می‌دهند که جماعت‌های مختلف برای تضمین نظام اجتماعی، دائماً مورد واریسی قرار می‌گرفتند. فاطمیان همچنین چارچوب حقوقی و اجتماعی فراهم آوردند که مردم را قادر می‌ساخت از هر جماعت دینی و نژادی‌ای که هستند در امور اجرایی خود مشارکت ورزند. با این حال، هیچ یک از این جماعت‌ها مجاز نبودند که سلطه‌ی کامل به دست آورند. منصوب نمودن یک یهودی مسلمان شده به نام یعقوب ابن کلیس به پست وزیر اعظمی در سال ۳۷۴ هجری یک مورد از این دست است. یعقوب مشهورترین وزیر اعظم و احتمالاً از باکفایت‌ترین مدیران زمانه‌ی خود بود. با این حال، در اوج قدرت خود به سال ۳۷۴ هجری موقتاً از کار برکنار شد. او به خاطر کردارهایی که به سخره گرفتن عدالت تلقی شد، دستگیر و روانه‌ی زندان شد. گرچه وی بعداً دوباره در مقام خود گماشته شد و این مقام را تا زمان مرگ خود در سال ۳۸۰ حفظ کرد، اخراج موقتی او تذکر مفیدی برای رعایای مصری در باب ضرورت حفظ نظام عادلانه‌ی امور شد.

حکومت فاطمی در مصر چالش‌های خاص خود را داشت. با این حال، با سنجه‌ی تاریخ که داوری کنیم، تاریخ‌نویسی اسلامی در مصر در دوره‌های پس از فاطمیان از این دوره به عنوان دوره‌ای نسبتاً آرام و شکوفا با حکمرانی‌ای شمول‌گرا یاد می‌کنند. گرچه شرایطی که منجر به حوادث اخیر در شمال آفریقا و خاورمیانه گردید، بسیار متفاوت از نمونه‌های قرون میانه‌ی اسلامی است، با این حال، بازتاب تلاش دامن‌دار بشر برای بسط مدلی پایا از حکمرانی شمول‌گرا و عادلانه است؛ گرچه این واژگان در بستر معاصر خود تعریف گشته‌اند.

i ابن زلاق (۹۹۷ میلادی) به نقل از مقریزی (۱۴۴۹ میلادی) در الاتعاز الحنفا. برای ترجمه‌ای محشّی و نیز تحلیل سند امان، بنگرید به: